اى یحیى، کتاب [خدا] را به جد و جهد بگیر، و از کودکى به او نبوّت دادیم. (12) و [نیز] از جانب خود، مهربانى و پاکى [به او دادیم‌] و تقواپیشه بود. (13) و با پدر و مادر خود نیک‌رفتار بود و زورگویى نافرمان نبود. (14) و درود بر او، روزى که زاده شد و روزى که مى‌میرد و روزى که زنده برانگیخته مى‌شود. (15) و در این کتاب از مریم یاد کن، آنگاه که از کسان خود، در مکانى شرقى به کنارى شتافت. (16) و در برابر آنان پرده‌اى بر خود گرفت. پس روح خود را به سوى او فرستادیم تا به [شکل‌] بشرى خوش‌اندام بر او نمایان شد. (17) [مریم‌] گفت: «اگر پرهیزگارى، من از تو به خداى رحمان پناه مى‌برم.» (18) گفت: «من فقط فرستاده پروردگار توام، براى اینکه به تو پسرى پاکیزه ببخشم.» (19) گفت: «چگونه مرا پسرى باشد با آنکه دست بشرى به من نرسیده و بدکار نبوده‌ام؟» (20) گفت: « [فرمان‌] چنین است، پروردگار تو گفته که آن بر من آسان است، و تا او را نشانه‌اى براى مردم و رحمتى از جانب خویش قرار دهیم، و [این‌] دستورى قطعى بود.» (21) پس [مریم‌] به او [=عیسى‌] آبستن شد و با او به مکان دورافتاده‌اى پناه جست. (22) تا درد زایمان، او را به سوى تنه درخت خرمایى کشانید. گفت: «اى کاش، پیش از این مرده بودم و یکسر فراموش‌شده بودم.» (23) پس، از زیرِ [پاى‌] او [فرشته‌] وى را ندا داد که: غم مدار، پروردگارت زیر [پاى‌] تو چشمه آبى پدید آورده است. (24) و تنه درخت خرما را به طرف خود [بگیر و] بتکان، بر تو خرماى تازه مى‌ریزد. (25)